

اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ناسازگاری زناشویی زنان

محسن گل محمدیان^۱

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

کیومرث فرحبخش

استادیار مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

معصومه اسمعیلی

دانشیار مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی، فرهنگی و معنوی بر ناسازگاری زناشویی زنان متأهل انجام شد.

روش: با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس از میان زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان کرمانشاه در سال ۹۱-۹۲ تعداد ۲۰ نفر انتخاب و صورت تصادفی در دو گروه ۱۰ نفره آزمایشی و گواه گمارده شدند. پژوهش از نوع شبه تجربی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود. برای گروه آزمایش ۱۰ جلسه درمان هوش محور برگزار شد. ابزار پژوهش مقیاس سازگاری زناشویی دو طرفه اسپانیر (۱۹۷۶) بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیر (مانکوا) و نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین دو گروه از نظر سازگاری زناشویی و مولفه‌های آن (رضامندی دو نفره، توافق دو نفره، همبستگی دو نفره، و ابراز محبت و عواطف در روابط دو نفره) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تفاوت معنی‌دار سازگاری زناشویی در دو گروه، تقویت هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی می‌تواند در بهبود روابط بین فردی و زناشویی موثر واقع شود. در کل یافته‌ها لزوم گنجانیدن برنامه آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی به زوجین را متذکر می‌سازد.

واژگان کلیدی: هوش اخلاقی، معنوی، فرهنگی، سازگاری زناشویی.

مقدمه

از جمله متغیرهای مورد بررسی در مطالعات خانواده سازگاری زناشویی^۱ است. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون رضایت زناشویی، موفقیت زناشویی و ثبات زناشویی مرتبط است. در حالیکه اصطلاحات قبلی هر کدام تنها یک بعد ازدواج را نشان می دهند، سازگاری زناشویی اصطلاحی چند بعدی است که سطوح چند گانه ازدواج را روشن می کند. سازگاری زناشویی شیوه ای است که افراد متاهل به طور فردی یا با یکدیگر، جهت تداوم ازدواج سازگار می شوند و یکی از مهمترین فاکتورها در تعیین ثبات و تداوم زندگی زناشویی است (گال^۲، ۲۰۰۱، به نقل از باراون و پارکر^۳، ۲۰۰۶).

بدون شک سازگاری زناشویی متاثر از متغیرهای مختلفی است. پژوهش های متعددی به اثربخشی تقویت هوش هیجانی بر سازگاری و رضایت زناشویی پرداخته اند. لکن از مهمترین ابعاد هوش که در حوزه پژوهش جدید بوده و در ایران نیز چندان بدان پرداخته نشده است هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی^۴ است. بوربا^۵ (۲۰۰۵، ۲۰۰۱) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی، عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می کند. هوش اخلاقی ویژگی های اساسی یاری دهنده تبدیل شدن انسان به یک انسان خوب و شایسته است (بوربا، ترجمه کاووسی، ۱۳۹۰). برای برخی افراد اصول اخلاقی مهم و محوری است در حالیکه برای برخی دیگر ارزش های اخلاقی در تصمیم گیری های مرتبط با موفقیت های زندگی و کاری فاکتوری کلیدی محسوب نمی شود (حافظه، زهیرول و گوشینا^۶، ۲۰۱۲). اخلاق شامل همه خوبی ها و فضیلت هایی است که افراد فکر کرده یا انجام می دهند (سوپرسون^۷، ۲۰۰۹).

1. marital adjustment
2. Gale
3. Bar.on & Parker
4. moral, spritual & cultural intelligence
5. Borba
6. NorHafizah, Zaihairul I & Geshina
7. Superson

بر طبق ویکستروم و تریبر^۱ (۲۰۰۷) همه اعمال انسانی از جمله جنایات و انحرافات رفتاری ماحصل ادراک فرد از انتخاب های اعمال است و فاکتوری بنیادین که بر چگونگی ادراک افراد از اعمالشان تاثیر می گذارد اخلاق است.

یکی دیگر از متغیر های مهم و نسبتا جدید در حوزه پژوهش روانشناسی معنویت و هوش معنوی^۲ است. سازمان بهداشت جهانی و چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی- آماری اختلال های روانی (DSM-IV-TR ۲۰۰۰) معنویت را به عنوان بعد چهارم سلامت انسانی معرفی کرده اند. معنویت به منزله چتری است که مفاهیم گوناگونی مانند سلامت معنوی، ایمان، باورها و سازگاری معنوی را پوشش می دهد (کاتن^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). آمرام^۴ معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می شود. به نظر می رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می گردد (نازل^۵، ۲۰۰۴). در واقع هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس^۶ و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می شود (وگان^۷، ۲۰۰۳). بعضی از ویژگی های فردی که برای بهره گیری از هوش معنوی مفید هستند عبارتند از: خردمندی، تمامیت (کامل بودن)، دلسوزی، دیدگاه کل نگر داشتن، درستی و صحت، ذهن باز داشتن و انعطاف پذیری (زهر و مارشال^۸، ۲۰۰۰).

-
1. Wikstrom & Treiber
 2. spiritual intelligence
 3. Cotton
 4. Amram
 5. Nasel
 6. Spirit
 7. Veughan
 8. Zohar& Marshall

از جمله متغیرهای تاثیر گذار در تطابق با تفاوت‌های فردی و فرهنگی متغیر هوش فرهنگی^۱ است که اخیراً در حوزه سازگاری فردی و اجتماعی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. محققین زیادی در جستجوی این موضوع هستند که چرا برخی افراد در موقعیت‌های فرهنگی متفاوت موثر و موفق‌تر از دیگران عمل می‌کنند و این موضوع را در زمینه‌های مختلف، مهم تلقی می‌کنند. مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین بار بوسیله ایرلی و آنگ از محققان مدرسه کسب و کارلندن آن را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (ایرلیوآنگ^۱، ۲۰۰۳). هوش فرهنگی متفاوت از هوش اجتماعی و عاطفی است. افراد زیادی با داشتن هوش هیجانی بالا و مهارت‌های اجتماعی مناسب، در تعاملات بین‌المللی شکست می‌خورند که علت اصلی آن پایین بودن هوش است (استرنبرگ^۳، ۱۹۹۹).

هوش فرهنگی به منظور قابلیت فردی برای عمل و اداره کردن به لحاظ فرهنگی با کارایی در زمینه‌های گوناگون یا محیط‌های متعددی تعریف می‌شود (آنگ، واتدیان، کج، تمپلر^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). یعنی، هوش فرهنگی بررسی می‌کند چگونه کسی می‌تواند زمانی که در یک محیط بین فرهنگی محیطی که فرد از امکانات و مهارت‌های آنها شناختی ندارد، خود را وفق دهد و پیشرفت کند (بریشلی، ورسلی و مکناب^۵، ۲۰۰۶). امروزه نتایج تحقیقاتی که در زمینه هوش فرهنگی انجام شده نشان داده است که آن را می‌توان پیش‌بینی کننده سازگاری و تصمیم‌گیری موفقیت‌آمیز و انجام وظایف محوله دانست (ارلی و مسکویسکی^۶، ۲۰۰۵، ارلی و آنگ، ۲۰۰۵).

-
1. cultural intelligence
 2. Earley & Ang
 3. Sternberg
 4. Ang, Van Dyne, Koh & Templer
 5. Brislin, Worthley & MacNab
 6. Mosakowski

در حوزه هوش های سه گانه فوق تحقیقات متعددی به چشم می خورد که بیشتر متمرکز بر متغیرهایی غیر از سازگاری زناشویی بوده‌اند. مژدگان و نجفی (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که بین آموزه‌های دینی با پرورش هوش اخلاقی کودکان همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش سیادت، مختاری پور و کاظمی (۱۳۸۸) حاکی از آن بود که بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی مدیران آموزشی و غیر آموزشی و رهبری تیمی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. بهرامی، اصمی، فاتح پناه و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان تعیین و مقایسه سطح هوش اخلاقی اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد به این نتیجه دست یافتند که متغیر سن رابطه معنی دار آماری با سطح هوش اخلاقی داشت به طوری که با افزایش سن، میانگین امتیاز هوش اخلاقی افراد کم تر از ۵۰ سال افزایش یافته و در افراد بالای ۵۰ سال مجددا کاهش یافته است. متغیرهای جنس، مدرک تحصیلی، سمت، سابقه کار، سابقه مدیریت و دو شغله بودن نیز رابطه معنی داری با سطح هوش اخلاقی نداشتند. آراسته، عزیزی شمامی، جعفری راد و محمدی جوزانی (۱۳۹۰) در پژوهشی بر رابطه مثبت و معناداری میان سن، سطح تحصیلات و هوش اخلاقی دانشجویان دلالت داشتند.

نتایج پژوهش حافیظه و همکاران^۱ (۲۰۱۲) نشان داد بین جوانان دختر و پسر مالزیایی از نظر ابعاد هوش اخلاقی تفاوت معنی داری بدست نیامد. آنتوناچیو و تایتل^۲ (۲۰۰۸) نیز به مطالعه ای در خصوص بررسی نقش میانجی اخلاق بر کجروی پرداختند و به رابطه منفی بین کجرویی و جنایت با اخلاق اشاره داشته‌اند. امریکنر^۳ و همکاران (۱۹۹۴) دریافتند خانواده هایی که در فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی - اخلاقی، فکری - فرهنگی و نظم و سازماندهی تاکید بیشتری دارند، اعضایشان از میزان نرسختی بالاتری برخوردارند. خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹) نشان دادند نگرش اخلاقی در روند زندگی موجب تسهیل و بهبود روابط می شود. نتایج تحقیقات حاکی از

1. NorHafizah, Zaihairul I & Geshina
 2. Antonaccio & Tittle
 3. Amerikaner

آن است که بخشودگی^۱ به عنوان یک مولفه مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیاء زخم های عاطفی زوجین کمک می کند و آموزش بخشودگی بر افزایش سازگاری زناشویی موثر است (جانسون^۲، ۱۹۹۵، گوردون^۳ و همکاران، ۲۰۰۹، هیل^۴، ۲۰۰۱، فینچام و استون^۵، ۲۰۰۴). ییپ و تسه^۶ (۲۰۰۹) در پژوهشی دریافتند عامل بخشودگی به صورت معنی داری با سازگاری میان فردی، سلامتی و افسردگی رابطه دارد. نتایج تحقیق صلاحیان، صادقی و بهرامی و شریفی (۱۳۸۹) نشان داد که هوش هیجانی و بخشودگی زوج ها پیش بین متغیر تعارضات زناشویی بوده است. یافته های پژوهش خجسته مهر، قنوتیان و رجبی (۱۳۹۱) حاکی از آن بود که آموزش اسناد به گونه معنادار سبب افزایش گذشت و بخشودگی و همچنین بهبود اسناد علی و اسناد مسولیت در زوجین می شود.

رحیم نیا، مرتضوی و دلارام (۱۳۸۹) دریافتند که بین هوش فرهنگی و عملکرد وظیفه ای مدیران شعب بانک اقتصاد نوین رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مشبکی و تیزرو (۱۳۸۸) در بررسی تاثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی مدیران ارشد بخش های مختلف صنعتی و خدماتی شهر اصفهان نشان دادند که هوش هیجانی و فرهنگی بر موفقیت رهبران موثر است. ابزری، مهدی، اعتباریان، و خانی (۱۳۸۹) دریافتند که بین هوش فرهنگی و مولفه های آن (استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار) با اثر بخشی گروهی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مولفه انگیزش و رفتار قابلیت پیش بینی اثر بخشی گروهی در کارکنان فولاد مبارکه را دارا بودند. نتایج پژوهش قدم پور، مهرداد و جعفری (۱۳۹۰) نشان داد بین پنج ویژگی بارزشخصیتی (برونگرایی، وظیفه شناسی، تطابق پذیری، روان رنجوری و گشودگی نسبت به تجربه) و هوش فرهنگی رابطه ی معنادار در کارکنان میراث فرهنگی

-
1. forgiveness
 2. Johnson
 3. Gordon
 4. Hill
 5. Fincham & Steven
 6. Yip & Tse

لرستان وجود دارد. حسینی نسب و قادری (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند بین هوش فرهنگی و ابعاد آن (فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری) با بهره‌وری مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

همچنین در خصوص معنویت و هوش معنوی نیز پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. وندل^۱ (۲۰۰۳)، به نقل از نصر اصفهانی و همکاران، (۱۳۹۱) معتقد است مذهب و معنویت به عنوان شیوه‌ای برای درمان آسیب‌ها، بهترین روش برای کوتاه شدن دوره درمان بیماران است. همچنین آن را به عنوان یک بعد ضروری فعالیت‌های درمانی و مشاوره‌ای می‌نگرد که کاربرد آن در خانواده درمانی و زوج درمانی لازم است. هاور یانگ و کینگستون (۱۹۹۸) دریافتند که معنویت رابطه‌ی مثبت و معناداری با رشد اخلاقی و هدفمندی در زندگی دارد. دیگر پژوهش‌ها مانند کریستال (۲۰۰۸) عنوان می‌کند که رشد اخلاقی صحیح نیازمند کیش مذهبی اطلاعات معنوی و آزمون مجدد است. ریچتر^۲ (۲۰۰۱) رابطه‌ی معناداری را بین سالم‌زیستی معنوی و سالم‌زیستی روانشناختی در دانشجویان به دست آورده است. در کل بررسی‌ها نشان دهنده همبستگی مثبت بین مذهبی بودن با سلامت روان بوده‌اند (غباریناب و خدایاری فرد، ۱۳۸۰، میرزمانی و محمودی، ۱۳۸۰ و سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰). همچنین یکی از رفتارهای مذهبی که با بهداشت روانی و تندرستی ارتباط دارد دعا می‌باشد (اسدالهی و معتمدی، ۱۳۸۰). کوئینک^۳ (۲۰۰۷) در تحقیقی نشان داده است که سلامت روانی و جسمانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قویتری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند. در همین راستا نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیع‌آبادی (۱۳۹۱) در بررسی اثربخشی آموزش معنا-محور بر عملکرد خانواده زنان متأهل نشان دادند این آموزش بر عملکرد خانواده زنان موثر بوده و معنا و تعامل خانواده ارتباط نزدیک و متقابل با هم

1. Wendel
2. Richter
3. koening

دارند و داشتن معنای مشترک در زندگی زناشویی می‌تواند به عنوان روشی برای بهبود عملکرد خانواده زنان به کار رود.

استناد به آیات قران کریم (برای مثال، آیه ۲۸ سوره رعد آیه ۸۲ سوره انعام، آیه ۳۰ سوره فصلت، آیه ۱۲۴ سوره طه) نیز می‌توان گفت که ایمان به خدا و پیروی از آیین اسلام عامل باز دارنده بسیاری از بیماری‌های روانی و تامین کننده سلامت روانی است. تحقیقات صورت گرفته در دهه های اخیر نشان می‌دهد که تاثیر مذهب و اعتقادات مذهبی در سلامت روانی افراد در جوانب مختلف روانشناختی انسان موثر است. ویسی (۱۳۹۱) در بررسی اثر بخشی آموزه‌های قرآنی (از جمله پیشگیری از ظن و گمان، تعهد به وعده‌ها، راهبرد صبر و تحمل، راهبرد نهایی بخشش و بازگشت و توبه) بر کاهش تعارضات زناشویی نشان داد این آموزش‌ها بر کاهش تعارضات زناشویی تاثیر معناداری داشته است.

در راستای هوش هیجانی نیز تحقیقات متعددی به چشم می‌خورد. سلیمانان و محمدی (۱۳۸۸) دریافتند که بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. یار محمدیان، بنکدار هاشمی و عسکری (۱۳۹۰) در بررسی تاثیر آموزش هوش هیجانی و مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی زوج‌های جوان دریافتند که این آموزش‌ها بر سازگاری زناشویی و مولفه‌های آن موثر بوده است. تیرگری، نژاد فرید، بیان زاده و عابدین (۱۳۸۵) نشان دادند بین زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری از نظر هوش هیجانی و رضامندی زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد. علی اکبری دهکردی (۱۳۹۱) نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

چنین به نظر می‌رسد گرچه عوامل اجتماعی و فرهنگی نقشی مهم در سازگاری زناشویی دارند، اما عواملی توانمندی‌های فردی از جمله هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی قابل بررسی هستند. روی هم رفته، شواهد موجود نشان می‌دهند که عوامل شخصیتی، پیش بینی کننده‌های تجربی موثری برای سازگاری و ثبات زناشویی هستند و وجود روابط بین عوامل شخصیتی و بازدهی زناشویی زوجین با استفاده از طرح‌های طولی و مقطعی گوناگون تایید شده است

(شکرکن، خجسته مهر، عطاری و شهنی ییلاق، ۱۳۸۵). با عنایت به موارد فوق و همچنین ضرورت و نقش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی در زندگی فردی و خانوادگی افراد، پژوهش حاضر به این سوال می‌پردازد که آیا الگویی درمان هوش محور که براساس ابعاد (هوش اخلاقی، فرهنگی و معنوی) به منظور افزایش سازگاری زوجین تنظیم می‌شود اثر بخشی دارد؟ لذا با توجه به هدف فوق فرضیه زیر صورت بندی می‌شود:

- آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر رضامندی دو نفره زنان اثر معناداری دارد.
- آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر توافق دو نفره زنان اثر معناداری دارد.
- آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر همبستگی دو نفره زنان اثر معناداری دارد.
- آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی ابراز محبت و عواطف دو نفره زنان اثر معناداری دارد.
- آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ناسازگاری زناشوی زنان اثر معناداری دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع شبه تجربی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان ناسازگار شهرستان کرمانشاه (شامل زنان سنین مختلف ۲۰ تا ۵۰ ساله) می‌باشد. بدین صورت که تعداد ۲۰ زن ناسازگار (زنانی که به دلیل تعارضات زناشویی به دادگاه خانواده و مراکز مشاوره خانواده سطح شهر، وابسته به سازمانها از جمله بنیاد شهید و... مراجعه نموده اند) از جامعه فوق با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. میانگنی سنی زنان گروه آزمایش ۳۶/۲۰ و گواه ۳۸/۱۰ بود. ۰/۷۵ این زنان دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، ۰/۲۵ لیسانس بودند. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی^۱ تحقیق قبل از توزیع پرسشنامه ها توضیحات مختصری در مورد پرسشنامه ها به زنان داده شد. در شروع کار با گفتن اینکه «تکمیل پرسشنامه صرفاً جنبه تحقیقاتی دارد و پاسخ‌های شما محرمانه خواهد

1. Ethicalconsideration

ماند» به آزمودنی‌ها اطمینان خاطر داده شد. همچنین به دلیل مسئولیت‌های اخلاقی جلسات مداخله درمان هوش محور نیز برای افراد گروه گواه به صورت فشرده پس از اجرای پس آزمون اجرا شد و آنان نیز از این آموزش‌ها بهره مند شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها: به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش در این تحقیق از یک پرسشنامه مداد-کاغذی استفاده شده است که عبارت است از:

مقیاس سازگاری زناشویی دو نفره اسپانیر^۱: این مقیاس شامل ۳۲ سوال است که برای ارزیابی کیفیت زناشویی از نظر زن و شوهر به کار می‌رود. مقیاس مذکور توسط اسپانیر (۱۹۷۶) تهیه و تا سال ۱۹۸۴ در حدود هزار مطالعه به عنوان ابزار اصلی مورد استفاده قرار گرفت (اسپانیر، ۱۹۸۵). به واسطه استفاده از نتایج آن همواره امکان تمایز بین زوج‌های سازگار و ناسازگار، از جمله کسانی که احتمال طلاق در آنها بیشتر است فراهم آمده است. نمره کلی این مقیاس از صفر تا صد و پنجاه و بر اساس سبک لیکرت است که برای افزایش اعتبار آن تعدادی از سوال به صورت مثبت و تعدادی به صورت منفی طراحی شده است افرادی که نمره آنها ۱۰۱ و یا کمتر از آن باشد از نظر اسپانیر (۱۹۷۶) دارای مشکل و ناسازگار تلقی می‌شوند. اسپانیر (۱۹۷۶) اعتبار و روایی این مقیاس را در سطح نمرات کلی ۰/۹۶ و برای مقیاس‌های فرعی به ترتیب برای رضامندی دو نفره^۲ ۰/۹۴، برای توافق دو نفره^۳ ۰/۹۰، برای همبستگی دو نفره^۴ ۰/۸۶ و برای ابراز محبت و عواطف در روابط دو نفره^۵ ۰/۷۳ تعیین کرد. در پژوهش ملازاده (۱۳۸۱) با اجرا در فاصله زمانی ۳۷ روز بر روی ۹۲ نفر از نمونه‌ی مورد بررسی ضریب قابلیت اعتماد به روش با آزمایی ۰/۸۶. به دست آمد و آلفای کرانباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ تعیین شد. برای برآورد روایی با اجرای همزمان این پرسشنامه و پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک

1. Spanier
2. dyadic satisfaction
3. dyadic consensus
4. dyadic cohesion
5. affection expression

والاس^۱ (LWMAT) ضریب قابلیت اعتماد برای ۷۶ نفر از زوج های مشابه با زوج نمونه، ۹۰٪ به دست آمد.

روش های آماری تجزیه و تحلیل داده ها: یافته های توصیفی این پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی می باشد. همچنین به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از تحلیل کواریانس چند متغیره^۲ (MANCOVA) استفاده شد.

ساختار جلسات مداخله: الف) جلسات ارزیابی: ۱- اجرای پیش آزمون سازگاری زناشویی. ۲- اجرای پس آزمون به فاصله یک هفته پس از اجرای آخرین جلسه آموزشی به منظور بررسی پایایی اثرات احتمالی مداخله.

ب) جلسات مداخله: محتوای جلسات آموزشی با مطالعه مبانی نظری (بوربا، ۲۰۰۵) و همکاری متخصصان مشاوره خانواده تنظیم شد. در کلیه جلسات فوق، زبان ساده و عینی در آموزش، تاکید بر ابعاد بحث گروهی و تبادل نظر مختصر، کسب گزارش از تکالیف و پاسخ گویی به سوالات و ابهامات آنان در دستور کار قرار گرفت. لازم به ذکر است طول هر جلسه ۲ ساعت و تواتر جلسات به صورت هفته ای دو بار بود.

1. LockeWallace Marital Adjustment Test(LWMAT)
2. Multiple analysis of covariance

جدول ۱. محتوای جلسات درمان هوش محور

جلسه	محتوای و موضوعات جلسات درمان هوش محور
اول	معرفی اعضا، بیان قوانین جلسات (از قبیل احترام، گوش دادن، رازداری و...) (فضیلت های احترام، مهربانی و همدلی) احترام مهربانی و همدلی استفاده از تکنیک ها و تمرین های رفتاری (گوش دادن انعکاس احساس و...)، الگو گیری، خودنظارت گری و ضبط، مهار محرک ها، تغییر محیطی، برنامه های تقویت احترام و همدلی.
دوم	(فضیلت اخلاقی وجدان و خویشننداری)، تکلیف: سنجش با وجدان بودن و روش تقویت وجدان در خانواده، دور کردن خود و همسر از کنترل بیرونی، استفاده از ضمیر تو به جای من و تشویق پاداش درونی، قاعده چهار R.
سوم	(فضیلت های اخلاقی بردباری و انصاف) مهارت های کنترل خشم و تقویت بردباری، ثبت انجام رفتار منصفانه در قبال همسر در طول هفته (خود نظارت گری)، فن تصویر سازی مثبت راجع به خاطرات و رفتارهای مثبت همسر و تحلیل هزینه و منفعت.
چهارم	(هوش فرهنگی) استراتژی هوش فرهنگی، دانش هوش فرهنگی، تمرین احترام به تفاوت ها و..
پنجم	(هوش فرهنگی) انگیزش هوش فرهنگی و رفتار هوش فرهنگی، تمرین مقابله با پیشداوری
ششم	(هوش فرهنگی) شناسایی و ردیابی خطای شناختی، تمرین درست اندیشی، روش پنج مرحله ای «ارلی» و «موساکوسکی» در تقویت هوش فرهنگی
هفتم	هوش معنوی و تقویت آن، خودآگاهی، احترام به انسان و اندیشه های والای او، پرورش روحیه و نگرش خوش بینانه و مثبت گرا نسبت به انسان و اعمال او، مشارکت عمومی اعضا خانواده در فرآیند تصمیم گیری، توجه به استقلال افراد و واگذاری مسئولیت ها به آنان و..
هشتم	مؤلفه های هوش معنوی در اسلام، بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند). ارایه تمرین و تکالیف دعا، خواندن قرآن و..
نهم	جمع بندی کلی از کلیه فضیلت های اخلاقی، هوش فرهنگی و معنوی
دهم	اجرای پس آزمون سازگاری زناشویی

جدول ۱.۲. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و گواه

متغیر	آماره‌ها	میانگین		مرحله
		گواه	آزمایش	
رضامندی دو نفره	پیش آزمون	۱۸/۸۰	۱۹/۱۰	
		گواه	۳/۰۱	
توافق دو نفره	پیش آزمون	۲۴/۴۰	۲۲/۸۰	
		گواه	۷/۱۵	
همبستگی دو نفره	پیش آزمون	۱۱/۳۰	۱۲/۴۰	
		گواه	۳/۲۳	
ابراز محبت و عواطف در روابط دو نفره	پیش آزمون	۷/۴۰	۹/۲۰	
		گواه	۱/۶۴	
سازگاری زناشویی	پیش آزمون	۶۰/۵۰	۶۳/۴۰	
		گواه	۱۰/۷۶	

جدول (۲) فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای سازگاری زناشویی و مولفه‌های آن را در دو گروه آزمایش و گواه در دو زمان پیش آزمون و پس آزمون نشان می‌دهد. همانطور که مشهود است نمرات گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به پیش آزمون افزایش داشته است. برای بررسی معنی داری این تفاوت خلاصه نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره (مانکوا)

نام آزمون	مقدار	فرضیه df	درجه آزادی	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
اثر بیلابی	۰/۸۸۳	۵	۹	۱۳/۵۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
لامبدا یویلکس	۰/۱۱۷	۵	۹	۱۳/۵۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
اثر هتلینگ	۷/۵۳۸	۵	۹	۱۳/۵۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
بزرگترین ریشه روی	۷/۵۳۸	۵	۹	۱۳/۵۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می شود میزان تاثیر درمان هوش محور ۰/۷۷ بوده است و این بدان معنا است که ۷۷ درصد واریانس نمرات پس آزمون متغیرهای وابسته مربوط به عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ و سطح احتمال نزدیک به صفر، دلالت بر کفایت حجم نمونه می باشد. همچنین با کنترل پیش آزمون سطوح معنی داری همه آزمون ها بیانگر آن هستند که بین زنان گروه های آزمایش و گواه حداقل در یک از متغیرهای وابسته (ابعاد چهارگانه سازگاری زناشویی و نمره کل) تفاوت معنی داری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت نتایج حاصل از آزمون تحلیل کواریانس یک راه در متن مانکوا در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری P	اندازه اثر	توان آماری
رضامندی دو نفره	۱۹۷/۹۰۶	۱	۱۹۷/۹۰۶	۱۷/۱۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۴۶	۰/۹۴۹
توافق دو نفره	۴۲۲/۳۲۱	۱	۴۲۲/۳۲۱	۰/۷۹۵	۰/۰۱۱	۰/۳۰۳	۰/۷۵۷
همبستگی دو نفره	۴۷/۷۸۷	۱	۴۷/۷۸۷	۱۲/۴۰۶	۰/۰۰۴	۰/۳۴۲	۰/۸۲۴
ابراز محبت و عواطف	۷۴/۳۹۷	۱	۷۴/۳۹۷	۲۴/۸۶۳	۰/۰۰۰	۰/۷۲۲	۱
سازگاری زناشویی	۲۴۵۱/۵۷۶	۱	۲۴۵۱/۵۷۶	۳۸/۷۶۷	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳	۰/۹۹۷

همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود در بررسی f حاصل از مقایسه نمره کل سازگاری زناشویی برابر با $F=۳۸/۷۶۷$ و $P<۰/۰۰۱$ است. در حقیقت نتیجه موید آن است که بین زنانی که درمان هوش محور را دیده اند (گروه آزمایش) و زنانی که درمان هوش محور را دریافت نکرده‌اند (گروه گواه) از لحاظ سازگاری زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه کلی پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر درمان هوش محور موجب افزایش میزان سازگاری زناشویی زنان گروه آزمایش شده است. در فرضیه های فرعی نیز بین زنان گروه های آزمایش و گواه از نظر خرده مقیاس های سازگاری زناشویی نیز تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=۱۷/۱۹۶$ و $P<۰/۰۵$ ، $F=۰/۷۹۵$ ، $P<۰/۰۵$ و $F=۱۲/۴۰۶$ ، $P<۰/۰۵$ و $F=۲۴/۸۶۳$ ، $P<۰/۰۵$ و $P<۰/۰۵$). بنابراین فرضیه های فرعی نیز تایید می‌شوند. به عبارت دیگر درمان هوش محور موجب افزایش مولفه های میزان رضامندی، توافق، همبستگی و ابراز محبت دو نفره در زنان گروه آزمایش شده است. همچنین همانطور که مشهود است میزان تاثیر درمان هوش محور بالا بوده و توان آماری و سطح احتمال نزدیک به صفر نیز دلالت بر کفایت حجم نمونه دارد.

بحث: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی، فرهنگی و معنوی بر ناسازگاری زناشویی زنان انجام شد. نتایج نشان داد بین نمره سازگاری زناشویی و مولفه های

آن(میزان رضامندی، توافق، همبستگی و ابراز محبت دو نفره) در زنان ناسازگار گروه هایی آزمایش و گواه تفاوت معنی دار وجود دارد و این مداخله بر افزایش سازگاری زناشویی موثر بوده است. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش های صورت گرفته از سوی امریکنر و همکاران(۱۹۹۴)، یار محمدیان و همکاران(۱۳۹۰)، ویسی (۱۳۹۱)، نصر اصفهانی و همکاران(۱۳۹۱) و خانیکی و تبریزی(۱۳۸۹) همسو می باشد. خانیکی و تبریزی(۱۳۸۹) نشان دادند نگرش اخلاقی زوجین در روند زندگی موجب تسهیل روابط بین آنان می شود. در همین راستا نتایج بسیاری از پژوهش ها(از جمله صلاحیان، صادقی و بهرامی و شریفی، ۱۳۸۹، جانسون، ۱۹۹۵، گوردون و همکاران، ۲۰۰۹، هیل، ۲۰۰۱، فینچام و استون، ۲۰۰۴) حاکی از آن است که بخشودگی به عنوان یک مولفه مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیاء زخم های عاطفی زوجین کمک می کند و آموزش این مولفه می تواند بر افزایش سازگاری زناشویی موثر باشد. ییپ و تسه(۲۰۰۹) نیز به رابطه معنی دار عامل بخشودگی با سازگاری میان فردی، سلامتی و افسردگی اشاره داشته اند. در تبیین یافته های حاصل از این پژوهش چنین استنباط می شود زمانی که زنان در تعاملات روزمره خود مفاهیم و اصول اخلاقی و معنوی را در نظر می گیرند و به عنوان معیاری در روابط خود به آن رجوع کرده و سعی در کسب رضایت خانواده را دارند. مشهود است که اخلاق و معنویت و پیروی از اصول اخلاقی و معنوی در زندگی روزمره می تواند محافظی محکم برای انسان در برابر مشکلات باشد. تقویت مولفه های هوش معنوی از جمله خودآگاهی، احترام به انسان و اندیشه های والای او، پرورش روحیه و نگرش خوش بینانه و مثبت گرا نسبت به انسان می تواند اثرات قابل توجهی بر روابط فی مابین انسان و بخصوص زوجین داشته باشد. اصولا همه ادیان و مذاهب نیز بر اهمیت اخلاق در سعادت و سلامت انسان تاکید داشته اند. در دین اسلام نیز اخلاق تا آن حد ارزشمند است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هدف از بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» می داند. با اندک تاملی در مفاهیم متعالی اسلامی ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین آشکار است و صبغه ی اخلاقی

در بسیاری از گزاره های دینی ذاتاً ملحوظ است. از طرفی افراد با گرایش معنوی با آموزه های انسانی آشنایی دارند و در زندگی خود معنا داشته و خود را به آن مقید می دانند. در تصمیمات زندگی خود به به مسایل انسانی و والا بیشتر رجوع می کنند و بر اساس آن در زندگی خود عمل می کنند. در نتیجه می توان چنین عنوان کرد که صافی مبانی معنوی تعیین کننده عمل زنان در بسیاری از موقعیت های خانوادگی و اجتماعی شده که این به نوبه خود سازگاری زناشویی را بهبود بخشیده است.

همچنین تقویت هوش فرهنگی به عنوان مولفه ای مهم و مثبت در سازگاری می تواند موثر واقع شود. با نگاهی به پیشینه پژوهش این مدعا آشکار است. در همین راستا سیادت، مختاری پور و کاظمی (۱۳۸۸) دریافتند بین مؤلفه های هوش اخلاقی مدیران آموزشی و غیر آموزشی و رهبری تیمی رابطه ی مثبت و معنادار وجود دارد. مرور شواهد پژوهشی حاکی از آن است که سازگاری زناشویی با بسیاری از ابعاد هوش از جمله هوش و هیجانی همبستگی معنی داری دارد. در کل بین ابعاد هوش هیجانی همسران سازگار با سازگار تفاوت معنیداری بدست آمده است (تیرگری، نژادفرید، بیانزاده و عابدین، ۱۳۸۵، علی اکبری دهکردی، ۱۳۹۰). در راستای تبیین این یافته ها باید به نقش هوش هیجانی و فرهنگی در روابط روزمره و سازگاری یا عدم سازگاری افراد در موقعیت های اجتماعی و فردی اشاره نمود. تقویت این هوش می تواند بر اثر بخشی افراد در موقعیت های مختلف بخصوص روابط فی مابین اعضای خانواده و زوجین موثر باشد. لذا زنانی که این آموزش را دریافت کرده اند به دلیل تقویت هوش فرهنگی از مزایای آن از جمله آگاهی از نقاط قوت و ضعف هوش فرهنگی خود، توسعه شخصی و بازخورد (پرسش از دیگران برای ارزیابی هوش فرهنگی خود) برخوردار شده اند. در نتیجه آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود و تفاوت های همسر سوء تفاهم ها را کاهش می دهد و فرد می تواند با استفاده از باز خورد ها و دیدگاه های دیگران تعاملات موفق و اثر بخشی را شکل دهد.

از جمله محدودیت های این تحقیق این است که نتایج این پژوهش صرفاً به زنان متأهل ناسازگار در کرمانشاه قابل تعمیم می باشد همچنین کنترل برخی متغیرهای مداخله گر مانند

شغل، وضعیت اقتصادی و داشتن فرزند می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود رابطه هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی با متغیرهای دیگر از جمله عملکرد خانواده و همچنین مقایسه آن در زنان و مردان مطلقه و عادی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین گنجاندن تقویت هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به منظور بهبود روابط زوجین و تحکیم خانواده ضروری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی متغیرهای مهمی در زندگی فردی و خانوادگی هستند و بین زنان ناسازگار گروه‌های آزمایش و گواه از نظر سازگاری زناشویی و مولفه‌های آن تفاوت منی وجود دارد. لذا تقویت هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی می‌تواند به عنوان سازه‌های بنیادین و اثرگذار در روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایتمندانه به شمار رود. بنابراین می‌توان از طریق آموزش ابعاد هوشی ذکر شده در بهبود روابط بین فردی و زناشویی اقدام موثر انجام داد.

سپاس و قدردانی

پژوهشگران مراتب تشکر و قدردانی خود را از کلیه شرکت‌کنندگان و کسانی که در این پژوهش یاریگر بودند ابراز می‌دارند.

منابع فارسی

قرآن کریم

اسدالهی، قربانعلی و معتمدی، محمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان شرایط مذهبی در ماه‌های یادشده، با میزان خودکشی. همایش نقش دین در بهداشت روان. دفتر مطالعات اسلامی در بهداشت روان. انستیتو روان پزشکی تهران.

ابزری، مهدی، اعتباریان، اکبر و خانی، اعظم (۱۳۸۹). بررسی تاثیر هوش فرهنگی و اثر بخشی آن بر ۴۷ گروه کاری شرکت فولاد مبارکه. پژوهش نامه مدیریت. تحول. ۲(۴): ۲۵-۴۱.

آراسته، حمیدرضا، عزیزی شمامی، مصطفی، جعفری راد، علی و محمدی جوزانی، زهره (۱۳۹۰). بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان. فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ. ۱۰ (۳): ۲۱۴-۲۰۱.

بوربا، میکله (۱۳۹۰). پرورش هوش اخلاقی در کودکان. ترجمه فیروزه کاووسی. تهران: انتشارت رشد.

تیرگری، عبدالحکیم، نژاد فرید، علی اصغر، بیان زاده، سید اکبر و عابدین، علیرضا (۱۳۸۵). مقایسه هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازنداران. ۵۵(۱۶): ۸۷-۸۶.

حسینی نسب، سید داوود و قادری، وریا (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی با بهره وری مدیران در مدارس شاهد استان آذربایجان غربی. فصلنامه علوم تربیتی. ۱۳(۴): ۴۴-۲۷.

خانیکی، هادی و تبریزی، منصوره (۱۳۸۹). رضایت از زندگی زناشویی در رهگذر نگرش و کنش اخلاقی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶: ۲۲۸-۱۸۸.

رحیم نیا، فریرز، مرتضوی، سعید و دلارام، طوبی (۱۳۸۹). بررسی میزان تاثیر هوش فرهنگی بر عملکرد مدیران وظیفه ای. فصلنامه مدیریت فردا. ۲۲(۸): ۷۸-۶۷.

سیادت، سید علی، مختاری پور، مرضیه و کاظمی، ایرج (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیر آموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مدیریت سلامت. ۱۲(۳۶): ۷۰-۶۱.

سلیمانیان، علی اکبر و محمدی، اکرم (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. *پژوهشنامه‌ی تربیتی*، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد. ۱۹(۵): ۱۵۰-۱۳۱.

سهرابی، نادره و سامانی، سیامک (۱۳۸۰). *بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان*. مقاله ارائه شده در اولین همایش بین المللی نقش دین و بهداشت روانی. تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۳۰-۲۷ فروردین.

شکرکن، حسین، خجسته مهر، رضا، عطاری، یوسفعلی و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۵). بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*. ۱(۱۳): ۱-۳۰.

صلاحیان افشین، صادقی، مسعود، بهرامی، فاطمه و شریفی، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *مجله مطالعات روانشناختی*. ۲(۶): ۱۱۵-۱۴۰.

علی اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین. *مجله علوم رفتاری*. ۲(۶): ۱۶۹-۱۶۱.

غباری بناب، باقر و خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۰). رابطه توکل به خدا با اضطراب و صبر و امیدواری در شرایط ناگوار، *مجموعه چکیده مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

قدم پور، عزت اله، مهرداد، حسین و جعفری، حسنعلی (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی بین ویژگیهای شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن. ۱(۲): ۱۰۸-۱۰۱.

خجسته مهر، رضا، قنوتیان، مهدی و رجیبی، غلامرضا (۱۳۹۱). *اتریشی آموزش اسناد بر افزایش گذشت و بهبود اسناد علی و اسناد مسولیت زوجین*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۴(۱): ۴۴۳-۴۲۳.

نصر اصفهانی، نرگس، اعتمادی، احمد و شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۹۱). *بررسی اتریشی آموزش معنا-محور بر عملکرد خانواده زنان متأهل*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده* ۲(۲):

ویسی، اسدالله (۱۳۹۱). طراحی مقایسه اثربخشی دو برنامه درمانی مبتنی بر اصول درمان روایتی و درمان مبتنی بر آموزه های قرآنی در کاهش تعارضات زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۲): ۳۵۷-۳۴۰.

بهرامی، محمدمین، اصمی، مریم، فاتح پناه، آزاده، دهقانی تقی، آزاده و احمدی تهران، غلامرضا (۱۳۹۱). سطح هوش اخلاقی اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵(۵): ۷۵-۸۸.

مژدگان، سپیده و نجفی، مینا (۱۳۹۰). بررسی رابطه آموزه های دینی توسط والدین با پرورش هوش اخلاقی کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال شهر تهران. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۸-۹ آبان.

مشبکی، اصغر و تیزرو، علی (۱۳۸۸). بررسی تاثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی. فصلنامه پژوهش های مدیریت، ۳(۲): ۵۷-۵۳.

ملازده، جواد (۱۳۸۳). بررسی رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک های مقابله ای در فرزندان شاهد. پایان نامه دکتری چاپ نشده رشته روانشناسی عمومی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

میرزمانی، محمود و محمودی، محمد رضا (۱۳۸۰). ارزش مذهبی در گروهیاز بیماران روانی. مجله پژوهشی حکیم، ۱(۴): ۵۶-۵۱.

یار محمدیان، احمد، بنکدار هاشمی، نازنین و عسکری، کریم (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش هوش هیجانی و مهارتهای زندگی بر سازگاری زناشویی زوج های جوان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲۰(۱۲): ۱۲-۳.

منابع لاتین

- Amerikaner, M. Monks, G, Wolfe, P. & Thomas, S. (1994). Family interaction and individual psychological health. *Journal of counseling and Development*. 72(6), 614-623.
- Ang, S. , Van Dyne, L. , Koh, C. , Ng, K. Y. , Templer, K. J. , Tay, C. , Chandrasekar, N. A. (2007). Cultural Intelligence: Its measurement and Effects on Cultural

- Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation, and Task Performance. *Management and Organization Review*, 3: 335-371.
- Antonaccio, O. & Tittle, C. R. (2008). Morality, self-control, and crime. *Criminology*, 46(2): 479-510.
- Bar-on, R., & Parker, J.D.A. (2006). *Handbook of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey -Boss.
- Borba, M. (2001). *Building Moral Intelligence*. San Francisco: Jossey Bass.
- Borba, M. (2005). The step- by – step plan to building moral intelligence, Nurtuing Kids Heart & Souls, National Educator Award, National council of self-esteem. Jossey - Bass.
- Brislin, R. , Worthley, R. , & MacNab, B. (2006). Cultural intelligence: Understanding behaviors that serve people’s goals. *Group and Organization Management*, 31: 40-55.
- Clarken, R. H. (2009). *Moral Intelligence in the Schools*. School of Education, Northern Michigan University.
- Cotton , S. Larkin , E. Hoopes , A. cromer ,B. A. & Rosenthal , S. L. (2005). The impact of adolescent spirituality on depressive symptoms and health risk behaviors. *Journal of adolescent health* , 36: 520-540.
- Crystal, D. (2008). *Txtng: The Gr8 Db8*. Oxford: Oxford University Press.
- Earley P. C. & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: individual interactions across cultures*. Stanford, CA. Stanford Business Books.
- Earley, P. C. , & Mosakowski, E. (2005). Cultural intelligence. *Harvard Business Review*, 82: 139–153.
- Fincham, F. D. & Steven , R. H. (2004). Forgiveness and conflict Resolution in marriage, *Journal of family psychology*, 18: 72-81.
- Gordon, K. C, Hughes, F. M, Tomcik, N. D, Dixon, L. J, & Litzinger, S. C. (2009). Widening Spheres of impact: The role of Forgiveness in Martial and Family Functioning, *Journal of Family Psychology*, 23(1): 1-13.
- Hafizah, NH, Zaihairul, I. & Geshina, A M. (2012). Moral Competencies among Malaysian Youth. *Health and the Environment Journal*, 2(1):10.
- Hill, E. (2001). Understanding forgiveness as discovery: Implications for marital and family therapy, *contemporary family therapy*, 23(4): 369-384.
- Jahnson, M. P, (1995). Patriarchal terrorism and common couple violence two forms of violence against women, *Journal of Marriage and the family*, 57: 283-294.
- Meraviglia, M. G. (1999). Critical analysis of spirituality and its empirical indicators: Prayer and meaning in life. *Journal of Hospital Nursing*, 17:18-33.
- Nasel, D. D.(2004) *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*; Unpublished thesis. Australia: The University of South Australia.
- Richter, R. J. (2002). Correlation of psychological well-being and Christian spiritual well-being at a small Christian liberal arts college in the urban Midwest. *CHARIS*, 2(1): 39-46.
- Spanier , G. B. (1985). Improve, refine, recast, expand, clarify—don’t abandon. *Journal of Marriage and the Family*, 47: 1073-1074.

- Spanier, G. & Cole, C. (1976). Toward clarification and investigation of marital adjustment. *International journal of sociology of the family*, 6: 121-146.
- Sternberg J., R. (1999). Successful Intelligence: Finding a Balance, *Trends in cognitive sciences*, 3 (11): 436-442.
- Superson, A. (2009). *The Moral Skeptic*. Oxford University Press. 127-159.
- Veughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *Journal of humanistic psychology*. 42 (2): 16-33.
- Wikstrom, P. H. & Treiber, K. (2007). The role of self-control in crime causation. *European Journal of Criminology*, 4: 237-64.
- Yip, T. H & Tse, W. S. (2009). Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being, *Personality and Individual Differences*, 46(3): 365-368.
- Zohar, D, & Marshall, I. (2000). *SQ: Connecting with our Spiritual Intelligence*. New York, NY: Bloomsbury press.